

آمار تسهیلات اعطائی سیستم بانکی به بخشهای مختلف اقتصادی

در پنج ماهه اول سال ۱۳۷۲ (مبلغ میلیارد ریال)

(تعداد هزار فقره)

جمع		بازرگانی و خدمات و صادرات		ساختمان و مسکن		صنعت و معدن		کشاورزی		شرح
مبلغ	تعداد	مبلغ	تعداد	مبلغ	تعداد	مبلغ	تعداد	مبلغ	تعداد	بانک
۱۵۴۸/۱	۲۶۳/۹									ملی ایران
۱۹۴۲	۱۰۳/۹									صادرات ایران و استانها
۸۱۴/۱	۷۲									تجارت
۱۰۶۹/۵	۱۲۳/۳									سپه
۷۷۳/۸	۱۲۱/۲									ملت
۱۳۰/۱	۲۵/۹									رفاه کارگران
۶۲۷۷/۶	۷۱۰/۲	۱۵۸۵/۱	۳۲۴/۷	۱۰۴۶/۶	۱۶۸/۳	۲۹۹۸/۲	۱۰۸/۹	۶۴۷/۷	۱۰۸/۴	جمع بانکهای تجاری
۱۴۹/۷										مسکن *
۳۸۴/۸										کشاورزی
۳۱/۷										صنعت و معدن
۲۴/۴										توسعه صادرات
۵۹۰/۶	۱۷۴/۴	۸/۸	-	۱۴۹/۷	۱۱/۹	۴۱/۲	-	۳۹۰/۹	۱۶۲/۴	جمع بانکهای تخصصی
۶۸۶۸/۲	۸۸۴/۶	۱۵۹۳/۹	۳۲۴/۷	۱۱۹۶/۳	۱۸۰/۲	۳۰۳۹/۴	۱۰۸/۹	۱۰۳۸/۶	۲۷۰/۸	جمع کل

* آمار ارسالی، مربوط به چهار ماهه اول سال می باشد.

در پاره‌ای موارد نیز بعضی از اشکالات بعلت پیش نیازهایی است که در آئین نامه ها گنجانیده شده

است برای روشن شدن مطلب به ذکر چند مثال مبادرت می کنیم.

الف - گفته می شود که چون بانک مجاز نیست بدون احراز این نکته که تقاضای کافی برای کالا وجود دارد، اقدام به عقد فروش اقساطی کند، لاجرم متقاضی بایستی تعهدی به بانک بسپارد که کالای مورد تقاضایش را پس از آنکه توسط بانک فراهم گردید از بانک خریداری نماید. این نحوه عمل که متأثر از محدودیت های موضوعه توسط آئین نامه های اجرائی قانون است دارای مبانی فقهی روشنی نمی باشد.

ب - در فروش اقساطی اگر مشتری تقاضا کند که بدهی‌اش را بطور اقساطی و در مدتی طولانی تری پرداخت نماید بانک بابت فروش اقساطی و با اجازه به شرط تملیک مبلغی معادل شش الی ده درصد قیمت فروش نقدی به عنوان سود فروش نسیه به قیمت فروش نقدی اضافه می‌کند. توجه شود که این نرخ‌ها همه نرخ‌های ثابت و مشخصی است که از قبل تعیین و در آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرائی گنجانیده شده است و نرخ مشخص و ثابت از قبل تعیین شده نیز مورد پذیرش نظام بانکداری اسلامی نمی‌باشد.

ج - از کسانی که قبل از درخواست وام مسکن حساب پس‌انداز مسکن نزد بانک داشته‌اند سود ۶ درصد و از سایرین سود ده درصد و به بالا دریافت می‌گردد. این نرخ‌ها نیز همگی از قبل تعیین و تصویب شده است و دارای وجهت و مشروعیت لازم نمی‌باشد.

د - اغلب ملاحظه می‌شود که ریسک‌ها نوعاً یک طرفه و به زیان استفاده‌کننده از تسهیلات بانکی است. این امر در مورد فروش اقساطی با وضوح بیشتر به چشم می‌خورد. بانک‌ها تقریباً هیچگونه خطری راحتی در مقام نماینده سپرده‌گذار قبول نمی‌کنند. مسئله انتقال تمام ریسک به دوش متقاضی تسهیلات بانکی بخصوص با توجه به اصرار و دقتی که در گرفتن تضمین و وثیقه به عمل می‌آورند بسیار روشن است. تمام این مطالب زمینه‌ساز این امر است که مشتریان تمام اطلاعات واقعی و صحیح را در اختیار بانک قرار ندهند و استنکاف از افشای اطلاعات اصل شفافیت را بشدت خدشه‌دار می‌نماید.

ه - عقد اجاره بشرط تملیک چنانچه در عمل بدرستی اجراء شود و بانکها سودهای با نرخ خیلی بالا برای خودشان منظور نمایند خیلی به نفع مشتریان است چون براساس و مبنای قیمت تمام شده مسکن بانک وارد معامله می‌شود. در این وضعیت ضمن کمک عاجل و موثر به حل مشکل مسکن اقشار کم درآمد و برداشتن گام‌های سریع در جهت اهداف و سیاست‌های دولت، استفاده از تفاوت بازار آزاد و قیمت تمام شده مسکن (به علاوه سهم سود بانک) به نفع مشتری خواهد بود که این خود کمک بسیار عمده‌ای در جهت حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، همه‌گیر شدن مالکیت مسکن و نهایتاً رفاه اقتصادی است.

و - در قرارداد مزارعه و مساقات که بانک منابع را تأمین می‌کند و کشاورز نیروی کار عرضه می‌نماید، بانک‌ها بعنوان حمایت از سپرده‌های مردم و حفظ حقوق خود، تعهد و تأمین کافی از عامل طلب می‌کنند و این امر برای کشاورزی که پشتوانه مالی خوبی ندارد بسیار سنگین است. در واقع می‌شود مطلب را بدینگونه بیان نمود که در مزارعه و مساقات که نقش عوامل طبیعی نقش بسیار تعیین‌کننده ولی در عین حال غیرقابل پیش‌بینی است، انتقال تمام ریسک به دوش کشاورز فارغ از اینکه زمینه‌های فقهی آن دارای ابهام و محل سؤال است، قدمی در خلاف جهت استراتژی‌های

دولت در راستای تقویت و خودکفائی بخش کشاورزی اقتصاد ملی است.

ز - در عقد خرید دین شاهد بیشترین شباهت‌ها به عملیات بروات نزولی بانک‌ها هستیم. علت آن است که در اغلب موارد معاملاتی که با استفاده از اینگونه سفته‌ها و اسناد بهادار انجام می‌شود نوعاً معاملات صوری هستند و تنزیل کردن سفته‌های عملیات این عقد ظاهراً بطور دقیق همان تنزیل اسناد است که در نظام بانکداری سنتی ربوی اعمال می‌گردیده است.

ج - بیشترین واقعیت انطباق در مورد عقود اسلامی، عقد سرمایه‌گذاری مستقیم است که در آن بانک بطور فعال وارد میدان معامله می‌شود. این عقد می‌تواند بعنوان یک ابزار توسعه مورد استفاده قرار گیرد و علیهذا بسیار مناسب خواهد بود که روش‌های اجرایی و دستورالعمل‌های آن مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد و در سطح وسیعی مورد استفاده واقع شود.

ط - از مطالعه قانون و دستورالعمل‌های اجرایی آن نیز نمی‌توان جهت‌گیری خاصی را از نظر سیاست‌گذاری توسعه به روشنی ملاحظه نمود. لاینکه به روشنی مشهود است که تلاش تنها در جهت تبدیل یک سیستم ربوی به سیستم غیرربوی بوده ولی شاخص روشنی برای نمایش این نکته که نظام بانکی کشور به چه تربیتی در خدمت اهداف برنامه‌های توسعه است ملاحظه نمی‌گردد.

آنچه که در عمل اتفاق افتاده است این است که اشخاص هنوز هم احساس می‌کنند بصورت یک سپرده‌گذار در نظام بانکداری سنتی مورد برخورد واقع می‌شوند، و علیرغم بیان مطالبی از جمله برقراری عقد خارج لازم که انطباق عملکرد بانک‌ها را با مفاهیم فقهی بیان می‌کند، هنوز هم سپرده‌گذاران در عمل سود از قبل تعیین شده‌ای را تحت عنوان علی‌الحساب دریافت می‌کنند، و هر چند سال یک بار نیز رقمی بسیار جزئی در حد نیم درصد به سود از قبل تعیین شده و اعلامی افزوده می‌شود تا رعایت این شرط فقهی نیز در ظاهر شده باشد. علت این مدعا آن است که در نظام سود مشارکتی^۱ (PLS) که سود حاصل از عملیات عقود در اغلب موارد به مراتب فراتر از چندین برابر ارقام پرداختی به سپرده‌هاست (و این مطلب به روشنی و سهولت از صورت‌های مالی پایان سال کلیه بانک‌های تجاری و تخصصی که سودهای سرشاری نمایش می‌دهند قابل استنتاج است) پرداخت فقط چیزی حدود ۱۵ درصد بعنوان سود به سپرده‌های پنج ساله آن هم در شرایطی به این حد تورمی، چندان قابل توجه نمی‌باشد. نکته دیگر آنکه نظام بانکداری اسلامی که متکی به عقود اسلامی است نمی‌تواند بازپرداخت اصل سپرده که همان سرمایه سپرده‌گذار (یا به عبارتی خرید سهام بانک) است را تضمین کند چراکه این عمل مغایر با مفاهیم فقهی در انجام عقود است. در قانون عملیات و دستورالعمل‌های اجرایی آن مذکور است که بانک بازپرداخت اصل سپرده را تعهد می‌نماید

گو اینکه در واقع این کار (بدون آنکه اعلام شود) از طریق بیمه کردن اصل سپرده‌ها صورت می‌گیرد که صورت شرعی لازم را به همراه دارد ولی استفاده از واژه «تعهد بازپرداخت» اصل سپرده به انطباق عملیات بانکی با مفاهیم فقهی خدشه وارد می‌کنند. البته قابل توجه است که تنها در قرارداد جعله که برعکس سایر موارد، این بار بانک در موضع عامل یا پیمانکار ظاهر می‌شود، بحث از بیمه نمودن اموال موضوع عملیات قرارداد صراحتاً مطرح و روی آن نیز تاکید شده است.

طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا (و از جمله مفهوم بند سوم ماده بیست آن) عامل زمان در تعیین سود دریافتی ناشی از فروش اقساطی موثر نیست، ولی براساس مصوبات شورای پول و اعتبار حداقل و حداکثر سود قطعی تسهیلات اعتباری (مثل فروش اقساطی و سلف و اجاره به شرط تملیک) براساس درصد در سال تعیین می‌شود در حالیکه این سود بایستی براساس درصدی از قیمت تمام شده محاسبه گردد. در حالیکه در عمل آنچه که اتفاق می‌افتد آن است که مثلاً در مورد مضاربه و مشارکت مدنی سود مورد انتظار این تسهیلات براساس درصد در سال است که این یعنی هر سه عامل بهره (نرخ، زمان، تضمین) در دریافت سود از مشتریان لحاظ گردیده است. در قراردادهای منعقد، همواره سود متعلق به بانک را متناسب با مدت بازپرداخت از سوی مشتری و مدت زمانی که پول نزد او بوده است تعیین می‌نمایند و شورای پول و اعتبار هم حداقل آن را تصویب و اعلام می‌نماید. اینگونه عملکرد در واقع و به روشنی مبین نرخ‌های از قبل تثبیت شده است که از لحاظ انطباق با مفاهیم اعتقادی و فقهی دارای اشکال است. شاهد مثال مبرز این موضوع آن است که در قرارداد گفته می‌شود که اگر مشتری بخشی از پول را قبل از موعد مقرر پس بدهد، بانک برای او «تخفیفی» منظور خواهد نمود. مسلم است که نحوه محاسبه این تخفیف دقیقاً براساس عامل نرخ و زمان می‌باشد که در معاملات ربوی مورد استفاده است.

ی - وثائقی را که بانک‌ها در قبال اخذ وام و عقد قرارداد از مشتری طلب می‌کنند از نظر مبانی فقهی دارای پایگاه مشخص و روشنی نیست و برای اکثر مشتریان بانک‌ها سئوال و ابهام ایجاد نموده است با توجه به اینکه مشارکت در عقود به معنای قبول خطرات مرتبط با فعالیت‌های تجاری و بازرگانی از سوی هر دو طرف قرارداد است، این سئوال همواره مطرح خواهد بود که به چه علت سرمایه‌خواه بایستی علاوه بر قبول شرایط گوناگون قرارداد، وثائقی نیز نزد بانک تودیع نماید.^۱ اگر در انعقاد یک عقد، اسلامی تراضی و توافق واقعی طرفین ملاک عمل است که بسیاری از عقود که با بانک‌ها منعقد می‌شود دارای شرایط اضطرار است و بسیاری از شرایط مندرج در قرارداد ماهیتی

1- M. Nawaz khan: "Islamization of the Banking system And The Economy".

Seminar on eight five year plan (1993 - 98) Islamabad Dec. 91 - Jan. 92

تحمیلی دارد. یکی از مسائل بسیار عمده‌ای که از محورهای اصلی موفقیت نظام بانکداری اسلامی است و در اغلب متون مقدمه قوانین و دستورالعمل‌های مرتبط با این موضوع مذکور است برخورد صادقانه مشتری با بانک و ارائه صحیح‌ترین و واقعی‌ترین اطلاعات در زمینه موضوع مورد درخواست می‌باشد. در شرایطی که ملاحظه می‌شود بسیاری از مواد مندرج در قراردادها و عقود یک طرفه و به نفع بانک تهیه و تدوین شده و خطرات نیز بطور یک طرفه متوجه مشتریان است و مشتری به الزام و اجبار آن را پذیرفته است انتظار برخورد صادقانه و ارائه صحیح‌ترین و واقعی‌ترین اطلاعات از طرف مشتری در چنین شرایطی که بخوبی از میزان تحمیلی بودن شرایط قرارداد آگاه است انتظار غیرمعقولی است. بعنوان مثال در عقد مساقات ملاحظه می‌شود که عامل، حق فسخ قرارداد را ندارد و چنانچه اقدام به فسخ قرارداد کند محصول کلاً متعلق به بانک است و عامل تنها دستمزدی معادل دستمزد سایر کارگران دریافت خواهد کرد. هنگامی که عامل ملاحظه کند در اجرای یک عقد که رضایت و توافق کامل دو طرف بایستی ملاک عمل باشد مجبور است تن به قبول اینگونه شرایط بدهد، مسلماً از ارائه واقعی‌ترین و صحیح‌ترین اطلاعات به هنگام عقد قرارداد و دریافت سرمایه استنکاف خواهد نمود.

اینگونه برخوردهای عمومی و کل‌گرایانه با مسائل و نیازهای بخش‌های گوناگون اقتصاد ملی نه تنها رافع مشکلات آنها، و زمینه‌ساز تسهیل رشد تولیدات و خدمات نمی‌گردد، بلکه موجب می‌شود که به علت انحراف عملکرد از روح حاکم بر قوانین، با ملاحظه قواعد و ضوابط و عملکرد نظام بانکی نتوان استنتاجی صحیح و گویا از سیاست‌های دولت از جهت‌گیریهای آن در قبال مسائل رشد و توسعه بدست آورد.

بررسی مطالب مورد به تکافوی محتوایی مقررات - بند ب ۲ - تکرار و تنوع بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها:

از جمله عوامل مهمی که در فرآیند توسعه اقتصادی مورد تاکید متخصصین امر قرارداد و همواره وزن قابل توجهی را در مرحله گذر از وضعیت توسعه نیافتگی به وضعیت توسعه یافتگی به آن اختصاص می‌دهند مسئله «ثبات» است. در واقع در اغلب جنبه‌های مربوط به توسعه اعم از توسعه فرهنگی، اجتماعی و یا توسعه اقتصادی مهمترین گام پس از تعیین هدف و اصول کلی آن، تعیین استراتژی و راههای نیل به اهداف موضوعه می‌باشد و مسئله اخیر نیز خود تا حدود بسیار زیادی متکی به فرآیند برنامه‌ریزی است. توفیق در امر برنامه‌ریزی و متعاقب آن، اجرای سیاست فارغ از برخی پارامترهایی که به لحاظ تخمینی دارای جنبه‌های عام و همه شمول می‌باشند، بطور اساسی و اصولی بستگی به این دارد که تا چه میزان از ثبات شرایط حصول اطمینان نموده‌ایم و اینکه در هر مقطعی از عمل با

شوک‌های محیطی و تنش‌های خارجی مواجه نخواهیم بود. به عبارت ساده‌تر، موفقیت در تعیین استراتژی و اجرای آن متکی به توانمندی مادر برنامه‌ریزی بوده و موفقیت در برنامه‌ریزی نیز خود متکی به اطمینان از وجود شرایط به ثبات محیطی است.

با توجه به این مقدمه کوتاه می‌توان گفت که حساسیت شرایط با ثبات برای کشورهای همچون ایران که چندین دهه است از تلاش‌های خود در مسیر توسعه اقتصادی موفقیت چندانی بدست نیاورده و اینک بر آن است که در جهت مقابله با مشکلات و مسائل اقتصادی و اجتماعی خود دست به تعدیل ساختاری بزند و این تعدیل را در برنامه دوم توسعه خود با بیشترین درجه از حزم و احتیاط پیاده نماید، مسئله‌ای بسیار مهم و حیاتی است. مطمئناً اجرای برنامه‌ای به سنگینی برنامه تعدیل ساختاری و آزادسازی اقتصادی در این برهه از تاریخ ایران نیازمند به همکاری متفق و هماهنگ بخش خصوصی و موسسات نیمه‌دولتی و دولتی و نظام بانکی است و مدیران تمام این دستگاهها برای همکاری و همفکری با برنامه‌های دولت احتیاج به حصول اطمینان از ثبات شرایط، احتراز از تغییرات مکرر قوانین و مقررات و پیشگیری از مواجهه‌های عدیده با دستورالعمل‌های متنوع و روزمره دارند. مطمئناً چنانچه اصل کلی سیر مراحل دقیق کارشناسی در مورد تمام دستورالعمل‌هایی که ملاک کار مدیران و کارگزاران بخش‌های گوناگون اقتصاد ملی قرار خواهد داشت به درستی و خوبی رعایت شود، دچار تنوع و تناقض قواعد و مقررات و گوناگونی روش‌های اجرایی نخواهیم شد و این خود زمینه‌سازی شرایط پر ثبات را فراهم خواهد آورد و شرایط با ثبات نیز همانگونه که مورد اشاره قرار گرفت خود پیش نیاز برنامه‌ریزی‌های دقیق و ابزار پیشرفت و توسعه می‌باشد.

از جمله مسائلی که مدیران اجرایی بخش صنعت با آن دست به گریبان هستند ضوابط اجرایی و دستورالعمل‌های بانکی است که ظرف چند سال گذشته هیچگاه دیرپایی و استمرار لازم را نداشته‌اند و لاجرم موجب می‌شوند که با حرکت در راستای هر یک از این دستورالعمل‌ها ضریب احتمال زیان‌آوری و یا درگیر شدن در پیچ و خم‌های ناخواسته اداری افزایش یابد. تجربه اخیر از تنوع تصمیم‌گیری پیرامون چگونگی واردات بدون انتقال ارز که از اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۲ مشمول محدودیت‌های عمده‌ای گردید و پس از گذشت کمتر از چهار ماه دچار تغییرات مرحله‌ای شد مصداق بارزی از اینگونه عدم ثبات‌هاست که در محیط اطراف نظام بانکی و بازرگانی ما وجود دارد و بطور مستقیم روی کیفیت خدمات رسانی سیستم بانکی به بخش‌های اقتصادی کشور آثار معکوس برجای می‌گذارد. با توجه به اینکه در شرایط حاضری سایه‌ای از رکود برفضای اقتصادی جامعه ما گسترده شده و با شروع برنامه دوم اصلاح و ترسیم تدریجی این رکود اقتصادی از جمله امیدهای اجتماعی ماست و در این میان نظام بانکی می‌تواند نقش فعال و مبتکرانه‌ای را بعهده گیرد، لازم است ابزار اساسی کار که ایجاد شرایط با ثبات و استمرار رویه‌هاست فراهم آید و دستورالعمل‌های بانکی به دور

از هر گونه شتابزدگی و با اعتقاد کامل به کارشناسی و برخورد های تخصصی و تجربی با اموری که در مورد تصمیم گیری واقع می شوند تهیه شوند که هم از تکرار اشتباهات گذشته قویاً دوری شود و هم آنکه در تصمیمات آتی آنگونه با حزم و احتیاط عمل شود که مجبور به تغییر تصمیمات و ایجاد سردرگمی در امور اجرایی و مدیریتی مسئولان صنعتی نشویم.

بررسی مطالب مربوط به زمینه های اجرایی - بند ج ۱ - تجربیات دهه گذشته:

بانکداری اسلامی به شیوه ای که در قانون عملیات بانکداری بدون ربا پیش بینی شده است از ابعاد تئوریک و نظری غنی برخوردار است و مطالعات و تحقیقاتی که در این زمینه بخصوص توسط اقتصاددانان مسلمان و کارشناسان صندوق بین المللی پول صورت گرفته ضمن تأیید این مطالب، نشان می دهد که این نظام بانکداری در قبال مقایسه با نظام بانکداری سنتی از ثبات و سودآوری بیشتری نیز برخوردار است. ضمن آنکه حداقل به همان میزان می تواند در خدمت اجرای سیاست های پولی قرار داشته باشد. اما از آنجایی که متن قانون و دستورالعمل های اجرایی آن در مدت زمان نسبتاً کوتاهی تهیه شده و طی ده سال گذشته نیز فرصتی کافی برای بازبینی و تجدید نظر آن حاصل نبوده است. این نظام بانکداری در عمل نتوانسته است تفاوت های خود را با نظام بانکداری سنتی که به شیوه ربوی عمل می کنند به خوبی نشان دهد و به همین دلیل است که برای آشنایی از عامه مردم مشکل است که بپذیرند تفاوت نظام فعلی بانکداری در ایران با نظام بانکداری در رژیم گذشته چیزی فراتر از صرفاً تغییر نام است. برای بررسی این مسئله که آیا پیش بینی های معموله در قانون و دستورالعمل های آن در جهت پیاده نمودن و اجرای یک نظام بانکداری اسلامی وافی به مقصود است و اینکه آنچه که در عمل اتفاق می افتد واقعاً همان چیزی است که قانون و دستورالعمل های آن پیش بینی نموده اند یا خیر، در این بخش از نوشتار پس از بیان کلیاتی از قانون، به ذکر نمونه هایی از این وجه افتراق پرداخته می شود.

در سیستم بانکداری سنتی که به شیوه ربوی اداره می شود، منابع بانک ها عبارتند از:

الف - سرمایه

ب - اندوخته های قانونی و احتیاطی

ج - وام از موسسات داخل و خارج کشور و بالاخره

د - سپرده های دیداری و مدت دار اشخاص.^۱

۱ - بموجب بررسی هایی که توسط Bank of International settlements انجام شده است ملاحظه گردیده که در مجموع حدود ۸٪ از منابع بانک ها از محل سرمایه ها و اندوخته ها و ۹۲٪ از منابع از محل

در این سیستم بانکها به کلیه وام‌هایی که از موسسات داخل و خارج دریافت نموده و همچنین به سپرده‌های اشخاص بهره می‌پردازند و سپرده‌های اشخاص نزد بانکها نیز معمولاً چندین برابر سایر منابع بانکها است و به همین دلیل هم بانکها بیشتر به سپرده‌های اشخاص متکی بوده و از راه تبلیغات سعی در افزایش آنها دارند.

در نظام بانکداری اسلامی نیز بر جلب سپرده‌های اشخاص تاکید می‌شود ولی تفاوت آن با بانکداری ربوی در این است که سپرده اشخاص در این بانکها صرفاً دارای وضعیت یک سپرده‌گذار معمولی نیست بلکه در واقع مشارکت در فعالیت‌های بانکهاست^۱ و قاعدتاً بایستی همانند یک شریک در منافع و یا احتمالاً زیانهای حاصل از عملیات شریک و سهیم باشند. در این سیستم بانکداری سود مشخص و از قبل تعیین شده وجود نخواهد داشت و اصل سپرده اشخاص (که به لحاظ تئوری در واقع به نوعی خرید سهام بانک می‌باشد) از نظر بازپرداخت تضمین نمی‌شود. پرداخت سهم منافع سپرده‌گذار نیز در پایان هر سال و به هنگام تحویل آمار و ارقام واقعی و صورت‌های مالی بانک انجام خواهد شد. در نظام بانکداری اسلامی هر فعالیتی براساس یکی از عقود اسلامی که مناسب‌ترین عقد با آن نوع فعالیت باشد انجام می‌پذیرد و طبیعتاً قواعد شرعی آن عقد بر معامله حاکم خواهد بود.

طی ده سالی که از تجربه اجرای این قانون در ایران می‌گذرد، گفته می‌شود که بانکداری اسلامی نتوانسته است در حد بایسته از کارائی لازم برخوردار بوده و به درستی به اهداف خود دست یافته باشد^۲. از جمله علل این عدم موفقیت نسبی را می‌توان عدم آشنایی جامعه با امکانات و حوزه عملیات بانکداری اسلامی، کمبود آموزش در سطح کارکنان بانکها و مجریان قانون عملیات، ناکافی بودن دستورالعمل‌های اجرایی برای پیاده کردن صحیح قانون، کندی فرآیند تحول از نظام بانکداری سنتی به بانکداری اسلامی، وجود پاره‌ای از ابهامات در تعاریف فقهی بعضی از فعالیت‌ها و واژه‌های اقتصادی و بانکی از جمله ربا، بهره، سود، منفعت و امثالهم برشمرد. در واقع آنچه که ضروری می‌نموده این است که قانون عملیات بانکداری بدون ربا متحول و اصلاح شده و سپس دستورالعمل‌های اجرایی جامع و همه شمول که از عهده انطباق مفاهیم فقهی و اقتصادی به درستی برآمده باشند تهیه و ارائه گردند به گونه‌ای که در اولین مطالعه آنها بتوان به آن دسته از استراتژیهای

سپرده‌های اشخاص و وام‌ها تامین گردیده است. بانک این ارقام را به عنوان استانداردهای بین‌المللی پذیرفته است.

1- Profit and Loss Sharing (PLS)

۲- اسلامی، غلامرضا، قانون عملیات بانکداری بدون ربا - بررسی تجربی و راه‌یابی‌ها، مجله حسابدار -

شماره ۸۲ - ۸۱ دی ماه ۱۳۷۰ ص ۸

دولت که قرار است از طریق نظام بانکی جامه عمل بپوشند واقف و آگاه شد و ملاحظه نمود که نظام بانکی به چه ترتیبی مقرر است که در خدمت صنعت و کشاورزی و خدمات در اقتصاد ملی قرار داشته باشد.

آنچه که از ملاحظه شرح عقود اسلامی متبادر به ذهن می‌شود این است که در نظام بانکداری اسلامی بانک‌ها به صورت موسسات توسعه‌ای دیده شده‌اند و در چنین موسساتی طبیعتاً میزان تخصص و کارایی بایستی در سطح بسیار بالایی قرار داشته باشد و علیهذا برای موفقیت آن بایستی در سطح بسیار بالایی قرار داشته باشد و علیهذا برای موفقیت آن بایستی همه‌گونه زمینه‌سازی برای ارتقاء این سطوح کیفی و تخصصی از قبل فراهم آمده باشد و به دیگر سخن، هنگامی که قرار است بانک در هیئت یک موسسه توسعه‌ای ظاهر شود، فعالیت‌های گوناگون آن اعم از مطالعات امکان‌سنجی، انتخاب پروژه‌ها، تعیین حجم سرمایه‌گذاری، برآورد بازار فروش و سودآوری سرمایه‌گذاری و امثالهم، همگی نیاز به تخصص‌های ویژه دارند که بایستی از طریق برقراری دوره‌های آموزشی (اعم از نظری و یا حین خدمت) تامین شود و بانک‌ها با ایجاد این چنین تخصص‌هایی خود را بعنوان امین و شریک مردم (سپرده‌گذاران - سرمایه‌گذاران) در فعالیت‌های اقتصادی درگیر نمایند. بنابراین یکی دیگر از پیشنهادات مشخصی که بایستی در مسیر افزایش نسبت تاثیر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در فرآیند توسعه طی برنامه دوم به آن توجه نمود تمرکز و عنایت بیشتر به آموزش و تخصصی کردن فعالیت‌ها در هر بخش از نظام اجرایی بانک‌ها است.

بررسی مطالب مربوط به زمینه‌های اجرایی - بند ج ۲ - ساختار نظام بانکی:

مدیریت بر مجموعه‌ای بزرگ نه تنها سابقه‌ای چندان درخشان و موفق در کشورهای غیرصنعتی در حال توسعه نداشته بلکه در یکی دو دهه اخیر می‌رویم تا شاهد انتقادات فراوان بر نحوه اداره مجموعه شرکت‌ها و موسسات بزرگ در غرب صنعتی نیز باشیم. از جمله علت‌های اصلی این امر آن است که در مجموعه‌های بزرگ امر هماهنگ نمودن و کاربرد موثر عوامل که در واقع هنر مدیریت است به راحتی میسر نمی‌باشد و اتلاف وقت و انرژی فراوان یافت می‌شود.

مجموعه ساختار نظام بانکی کشور نیز پس از ادغام آنها در دوران دولت موقت در ماه‌های اولیه پیروزی انقلاب، به مجموعه بسیار بزرگی تبدیل شده است از این قاعده مستثنی نمانده و علیرغم آنکه مفهوم سیاستگذاری متمرکز و اجراء غیرمتمرکز دارای وجهه‌های مثبت و قابل دفاعی است، در حال حاضر و بعلت تجربه حدود ده سال بانکداری متمرکز و یکنواخت، بنظر می‌رسد که غیرمتمرکز کردن و کوچک نمودن سازمان و موسسات بخصوص هنگامی که بحث از مدیریت دولتی در میان است، اقدام معقول و مدبرانه‌ای باشد. این مسئله هنگامی اهمیت و حساسیت خاص خودش را بهتر

جلوه می‌دهد که به کوتاهی عمر تجربی و میزان تحصیلات و آگاهی‌های حرفه‌ای و تخصصی بسیاری از مدیران و کارگزاران بخش دولتی توجه بیشتری بنمائیم.^۱

از سوئی دیگر ملاحظه می‌کنیم که دنیای بانکداری در جهان امروز دنیایی بسیار پرتحول و فعال است و هر ماه و هر سال شاهد اختراعات پولی جدید و شیوه‌های ابداعی در فعالیت‌های راهبردی در نظام بانکی هستیم و رقابت فشرده‌ای که بین بانک‌ها چه در سطح کشورها و چه در پهنه بین‌المللی حاکم است از زاویه نوآوری‌ها و معرفی روش‌های نوین خدمات‌رسانی به مشتریان دنبال می‌گردد. ارائه شیوه‌های جدید و یا برداشت جدید از شیوه‌های سنتی بانکداری و معرفی افکار نو که برای مشتریان جالب و جذاب باشد همواره مدیریتی را طلب می‌کند که از دانشی گسترده و تخصصی بهره‌مند باشد، سریع و صحیح تصمیم بگیرد و از فرصت‌های کوتاهی که در مقاطع خاص بهره‌مند باشد، سریع و صحیح تصمیم بگیرد و از فرصت‌های کوتاهی که در مقاطع خاص دست می‌دهد استفاده نموده و بیشترین ابتکار عمل را جهت جلب و حفظ رضایت مشتریان در دست داشته و نمایش دهد، به این دلیل بنظر می‌رسد که زمان آن فرا رسیده باشد که مدیریت سیاستگذاری بانکهای کشور را از وضعیت متمرکز فعلی منتزع و هر بانکی بتواند با در اختیار داشتن شورای عالی خود و یا حداقل هیئت مدیره‌ای با اختیارات بسیار وسیع که تنها در حدود بسیار کلی و کلان تابع نظریات شورای عالی بانک‌ها باشد اختیار راهبری بانک را بعهده گیرد و از تمام توان و ابتکار عمل و خلاقیت‌های خود جهت جذب و هدایت سپرده‌ها و تجهیز منابع پولی برای رفع مشکلات و مسائل صنعت کشور بهره‌ور گردیده و مانند نهادی کاملاً مستقل عمل نماید.

دستورالعمل‌های اجرایی و روش‌های حسابداری و بخشنامه‌هایی که همگی به یک شکل و برای همه بانک‌ها صادر می‌شوند محتملاً در اجراء با مسائل و مشکلات گوناگونی مواجه می‌شوند و چنانچه فرصتی فراهم آید که بانک‌ها در چهارچوب کلی سیاست‌های عمومی پولی و ارزی، خود به تامین نیازهای اجرایی از نظر روش‌ها و دستورالعمل‌ها و همچنین اختیارات چگونگی جذب سپرده‌ها و پرداخت جوایز و تسهیم سود عقود و غیره اقدام کنند و در این رهگذر نیز زمینه‌های رقابت سالم بین بانک‌ها تقویت گردد بدون تردید کیفیت خدماتی که از محل شبکه بانکی به بخش‌های مختلف اقتصاد خواهد رسید بهبود کلی خواهد یافت و جامعه می‌تواند با هزینه کمتر و کیفیت بهتر از امکانات و تسهیلات سیستم بانکی استفاده نماید. مطلب اخیرالذکر که خود محل بحث و گسترش زیادی دارد

۱- رک به: گودرزی، محسن: «ویژگی‌ها و تحولات بازار کار ایران در سالهای ۶۵ - ۱۳۵۵» در این مقاله آمده است که در سال ۱۳۶۵ حدود ۴۲ درصد از کارکنان دولت زیر ده سال سابقه کار دارند و حدود ۷ درصد از ایشان زیر دیپلم هستند. اطلاعات سیاسی - اقتصادی - شماره ۴۳ و ۴۴

از جمله پیش نیازهایی است که برای موفقیت در برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی حائز اهمیت فراوان است و جا دارد که مسئولین امر با جدیت و علاقه به آن بپردازند.

بررسی مطالب مربوط به زمینه‌های اجرایی - بند ج ۳ - تنوع عقود اسلامی:

با توجه به این همه گستردگی فعالیت‌ها که سیستم بانکی را به استاندارد کردن وضعیت قراردادهای و یکنواخت کردن نرخ سود مشارکت‌ها سوق داده است، بهتر است با بررسی و تحلیل عملکرد عقود و از ده گانه در ده سال گذشته، بازبینی مجددی بر نیاز به وجود و حضور تمام این دوازده نوع عقود بعمل آید و حتی المقدور تعداد آنها به تعدادی مطلوب‌تر و مورد نیاز کاهش یابد. آنگاه تعدد عقود کاهش یافته را نیز به نوبه خود بررسی نموده و جنبه‌های کاربردی آن را تقویت و به این ترتیب کل نظام بانکی را ساده‌تر نماییم. در این راستا می‌توان بانک‌های تجاری را از بانک‌های تخصصی و توسعه‌ای جدا نمود و برای هر گروه برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت خاص خود و نظامات عقد عقود و پرداخت سود و تعیین جوائز و غیره بر ایشان تعریف کرد.

از بررسی ارقام و آمار ملاحظه شده است که دو نوع از عقود اسلامی (مزارعه و مساقات) طی چندین سال گذشته حتی برای بانک کشاورزی هم کاربرد قابل توجهی نداشته‌اند، در حالی که قراردادهای مربوط به عقدفروش اقساطی خود به تنهایی حدود نیمی از مجموع عملیات بانکی را به خود اختصاص داده است. بررسی اینگونه جنبه‌های نظام بانکداری اسلامی در سالهای گذشته می‌تواند به ما کمک کند تا راه‌های مشخص‌تری را برای برنامه پنج ساله دوم توسعه جستجو کنیم. جدول پیوست آهنگ تغییرات مانده تسهیلات جدید (عقود اسلامی) بانک‌ها به بخش غیردولتی از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۰ را به تفکیک نوع تسهیلات نشان می‌دهد^۱ همانگونه که ملاحظه می‌شود در اغلب سالهای مورد گزارش و به خصوص دو سال آخر که روند استفاده از عقود اسلامی شکل تثبیت شده‌تری را به خود گرفته است، حدود ۸۰٪ از جمع تسهیلات اعطائی در چهار نوع عقدفروش اقساطی، مشارکت مدنی، مضاربه و جعاله اعطا شده است و در این میان در هر دو سال، فروش اقساطی نمایانگر حدود پنجاه درصد از کل تسهیلات واگذاری می‌باشد. جمع ۶ نوع عقد دیگر جمعاً حدود ۲۰٪ تسهیلات را به خود اختصاص داده‌اند و عقود مانند مزارعه و مساقات حتی در حدی که گزارش شوند کاربرد اجرایی نداشته‌اند. دقت بیشتر در این جدول نشان می‌دهد که چهار عقد اول، علاوه بر آنکه سهم عمده و چشمگیری را از نظر حجم ریالی به خود اختصاص داده‌اند از نظر

۱ - خلاصه تحولات اقتصادی کشور (۱۳۷۰)، نشریه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. جدول شماره

درصد رشد نسبت به سنوات قبلی نیز، به نسبت سایر عقود، از رشد خیلی بیشتر برخوردار بوده‌اند. ملاحظاتی از این قبیل مبین این مطلب است که جا دارد در ابتدای برنامه دوم توسعه، بازنگری خاصی روی تعداد و تنوع عقود اسلامی بعمل آید و با محدودتر نمودن آنها و گسترش فعالیت‌های آموزشی و ارشادی عملکرد واقعی بانک‌ها را با روح حاکم بر قانون عملیات بانکداری بدون ربا نزدیک‌تر نماییم.

مانده تسهیلات مهم بانکها به بخش غیردولتی به تفکیک نوع تسهیلات

(میلیارد ریال)

درصد تغییر	مانده در پایان سال							
	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	
۴۶/۷	۴۸/۷	۷۶۶۸/۳	۵۰۴۶۹/۹	۳۰۵۳۲/۷	۲۰۴۵۴/۴	۱۰۶۵۷/۵	۹۹۰/۹	فروش اقساطی
۱۷/۷	۱۴/۴	۲۰۹۰۰/۷	۱۶۲۰/۶	۹۶۵/۲	۶۰۸/۷	۵۳۹/۳	۲۸۴/۲	مشارکت مدنی
۹/۶	۱۰/۲	۱۰۵۸۱/۹	۱۰۱۴۱/۹	۸۱۱/۰	۵۷۰/۳	۴۹۱/۴	۴۲۹/۲	مضاربه
۷۰	۶/۶	۱۰۱۴۲/۹	۷۴۰/۲	۳۸۴/۲	۱۴۳/۸	۷۰/۹	۳۷/۹	جعاله
۴/۹	۵/۲	۸۰۹/۰	۵۸۸/۶	۵۰۵/۰	۲۵۵/۳	۱۵۱/۲	۱۰۸/۹	معاملات سلف
۴/۸	۴/۵	۷۸۵/۰	۵۰۹/۹	۴۳۵/۴	۳۷۱/۶	۲۷۶/۷	۱۸۲/۲	مشارکت حقوقی
۴/۱	۵/۷	۶۸۲/۰	۶۳۹/۸	۵۶۴/۵	۵۰۷/۵	۴۱۱/۹	۳۲۱/۴	قرض‌الحسنه
۱/۴	۱/۱	۳۳۲/۲	۱۲۵/۰	۱۰۶/۷	۹۸/۸	۸۳/۰	۵۱/۸	اجاره بشرط تملیک
۱/۳	۱/۳	۲۱۱/۸	۱۴۳/۵	۹۷/۶	۶۷/۵	۶۴/۳	۷۴/۴	سرمایه‌گذاری مستقیم
-۱	-۳	۱۶/۶	۳۲/۰	۴۱/۹	۵۲/۶	۱۲۰/۳	۱۷۶/۵	خرید دین
۲/۴	۲/۰	۳۹۴/۶	۲۲۹/۷	۱۶۸/۹	۱۳۵/۳	۷۰/۴	۴۶/۲	مطالبات معوق و سررسید گذشته
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۶۰۴۲۵/۰	۱۱۰۲۴۱/۱	۷۶۱۳/۱	۵۰۲۶۵/۸	۳۰۹۳۶/۹	۲۸۰۳/۶	جمع کل

راهیابی‌ها

پیشگفتار:

مدیریت را «علم کاربرد متناسب و هماهنگ نمودن کوشش‌ها و مساعی اعضای سازمان و استفاده بهینه از منابع برای نیل به اهداف» تعریف کرده‌اند^۱ با توجه به این که مسائل مربوط به سازمان و اهداف آن محدود به بخش خصوصی و تنها مربوط به امور تولیدی نیست، سیستم بانکی و سازمانهای دولتی را نیز می‌توان در محدوده تعریف بالا ملحوظ نظر قرار داد. مدیریت، در محدود این تعریف، برای تحقق اهداف خود به انجام وظایفی می‌پردازد که برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری، هماهنگی و کنترل از آن جمله هستند و در هر کدام از این وظایف مدیر مجبور به تصمیم‌گیری است. اگر در مدتی مناسب و با هزینه‌ای قابل قبول به این اهداف دسترسی پیدا کنیم آنگاه مهمترین تصمیم مدیر منطقاً تجدید نظر و تغییر در برنامه‌ریزی و سازماندهی خواهد بود. نکته بسیار مهم و ظریف آن است که چون مدیریت نظامی هوشمندانه و خردمندانه است. چنانچه خود دچار مشکلات بیرونی و درونی شود و بعللی از اصلاح خود بازماند آنگاه حفظ مدیریت و سازمان جای تحقق اهداف را می‌گیرد و منشاء تمام مصائب و مشکلات سازمان می‌شود. این مشکل، در سازمانها و مدیریت‌های بخش خصوصی به دلیل عدم امکان استمرار پرداخت هزینه‌های سنگین چنین سازمان و مدیریتی بندرت تداوم می‌یابد چراکه دیری نخواهد پاید که به ورشکستگی و اضمحلال منجر می‌گردد. اما در بخش دولتی و موسسات وابسته به دولت که می‌توان مدیریت را به مسائل سیاسی و اجتماعی مرتبط نمود و هزینه سوء مدیریت و اداره سازمان ناکار آمد را از محل بودجه دولتی و خزانه پرداخت کرد این عدم کارائی قابل دوام خواهد بود، چنانچه مهمترین وظیفه مدیریت راگزینش خردمندانه و هدفدار از میان امکانات گوناگون بدانیم، یک مدیر مدبر با حرکت از نقطه‌ای از تجربه‌ها و دست یافته‌های قبلی خویش همراه با اطلاعات و دانش و هوش بسوی فرآیند تفکر و نتیجه و تصمیم‌گیری می‌رود و اقداماتش همواره به تجربه جدیدی منجر می‌شود که خود بسوی فرآیند دیگری از تفکر و نتیجه و تصمیم‌گیری می‌رود و اقداماتش همواره به تجربه جدیدی منجر می‌شود که خود بسوی فرآیند

۱- رزاقی، ابراهیم. «ضرورت تحول در مدیریت توسعه اقتصادی کشور» فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۵۵ و ۵۶. به نقل از کتاب «مدیریت عمومی» نوشته دکتر سید مهدی الوانی. انتشارات نی -

دیگری از تفکر و اطلاعات و دانش و هوش حرکت می‌کند. هنر یک مدیر موفق عمدتاً آن است که در فرآیند عمل، این مکانیزم را در چارچوب انتخاب صحیح یک الگوی مناسب دنبال نماید تا نتیجه تلاش‌ها و فعالیت‌هایش بیشترین انطباق را با ویژگیها و نیازهای محیط اطرافش داشته باشد و به دستیابی به شرایط و اهداف مطلوب منجر گردد. انتخاب الگوی مناسب که شکوفاکننده تمام فعالیت‌ها و تلاش‌های هوشمندانه مدیریت است، به همانگونه که در مدیریت توسعه اقتصادی کشور امری حیاتی است در سایر خرده نظام‌های اجتماعی و اقتصادی آن و از جمله بانکداری و خصوصی‌سازی و امثالهم نیز مهم و تعیین کننده است.

بحث:

تجربه کشورهای در حال توسعه در دهه سال‌های ۱۹۸۰ نشان دهنده توجه فراوان این کشورها به خصوصی‌سازی صنایع و موسسات بزرگ و گرایش به اقتصاد بازار است. این توجه در جمهوری اسلامی ایران از لحاظ تقارن زمانی با اجرای برنامه دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی همراه شده و توجه فراوان و دقت بسیاری لازم است که موفقیت و یا عدم موفقیت هر یک از این دو برنامه اقتصادی با یکدیگر تداخل پیدا نکنند چرا که در آن صورت تمیز بین علل و ریشه‌یابی‌های آنها نامقدور خواهد بود.

از لحاظ فرآیند عمل، چه در برنامه‌های خصوصی‌سازی و تعدیل ساختاری که الگوهای آن نوعاً از طرف صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی پیشنهاد می‌شود و چه برنامه‌های توسعه اقتصادی که هر کشوری آنرا بفرآخور حال خود طراحی و اجرا می‌نماید. توان نیروهای داخلی، منابع و امکانات مادی، قدرت جذب و امکانات بکارگیری منابع سرمایه، تکنولوژی و مدیریت صنعتی، فشارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نقش و جایگاه نظام اقتصادی سیاسی کشور و ارتباط و همسوئی و همگرایی آن با نظارت بین‌المللی از جمله مسائل مهم و اساسی در تعیین میزان موفقیت این برنامه‌هاست. به علت تنوع و اهمیت و حساسیت متغیرهای پیش‌گفته و صعوبت هماهنگی و استقرار موزون و متناسب تمام و هر کدام از آنها در اداره امور کشور، تعدادی از کشورهایی که دست به اجرای برنامه‌های توسعه زده‌اند و همچنین بسیاری از کشورهایی که دست به اجرای برنامه‌های تعدیل ساختاری زده‌اند نتوانسته‌اند بطور کامل به اهداف خود دست یابند و هزینه اجرای سیاست‌های مزبور بر اقتصاد و مردم در مقاطعی از زمان آنچنان سنگین و طاقت‌فرسا بوده است که در کوتاه مدت برخی

۱- رحیمی بروجردی، علیرضا. «درآمدی بر سیاست‌های تعدیل ساختاری» مرکز انتشارات علمی دانشگاه

از دولت‌ها (همچون مصر، تونس، نیجریه، مراکش و...) در اجرای این برنامه‌ها با شکست مواجه و مجبور شده‌اند برنامه سیاست‌های تعدیلی را متوقف و یا به عقب بیندازند. علت آن است که سیاست‌های تعدیلی فرآیندی دینامیک و قابل انعطاف است که در اهداف اولیه خود سعی بر حذف عدم تعادل‌های ایجاد شده در سیستم اقتصادی دارند. اما از آنجائی که در کشورهای جهان سوم و غیرصنعتی که اینگونه سیاست‌ها معمولاً در آنها پیاده می‌شود. حذف یک عدم تعادل معمولاً منجر به برقراری عدم تعادل دیگری می‌شود. یک سیستم پویا و انعطاف‌پذیر که بایستی در شرایط معمول قادر باشد با این وضعیت مقابله کند به علت کثرت اینگونه عدم تعادل‌ها از عملکرد متعارف خود باز می‌ماند و نهایتاً این که برنامه راه به جایی نمی‌برد.

یکی از متداول‌ترین این عدم تعادل در بخش پولی و مالی اقتصاد جلوه می‌نماید. در بخش مالی مسئله عدم تعادل هزینه‌ها و درآمدهای بخش دولتی و در بخش پولی مسئله عدم و تقاضای منابع پولی است. این عدم تعادل‌ها چنانچه به فوریت و بصورت متناسب مورد برخورد واقع نشوند، رشد و توسعه اقتصادی را شدیداً تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد.

کارشناسان امر معتقدند که در فرآیند سیاست‌های تعدیلی باید منابع و امکانات بالقوه و بالفعل کشور با دقت شناسائی شوند و بیش از هر چیز به پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری‌های داخلی تکیه کرده و در صدد بهبود مستمر آنها برآئیم. در این راستا نقش سیستم بانکی نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای است و چنانکه نظام بانکی با کفایت و مسئولیت‌پذیری کامل با این نیازها برخورد نماید و منابع داخلی را با کارائی و راندمان تجهیز کند، آنگاه نیاز به اتکاء به منابع خارجی کاهش می‌یابد و توسعه اقتصادی بر بستری مطمئن‌تر و سالم‌تر بنا می‌شود. بعنوان مثال چنانچه در فرآیند اجرای برنامه توسعه با سیاست‌های تعدیلی، سیستم بانکی در نقش متناسب خود ظاهر شود، بهبود در پس‌اندازها را می‌توان از طریق کاهش کسر بودجه انجام داد (که این خود به معنای الزام به اصلاح پاره‌ای دیگر از خرده‌نظام‌های اداری و اجرایی و بازبینی و بازنگری سیاست‌ها است). بهبود در پس‌اندازها موجب تجهیز منابع سرمایه می‌شود و ارتقاء حجم تسهیلات بانکی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی موجب کاهش فعالیت‌های غیرمولد و اجاره‌خواهی به سود فعالیت‌های تولیدی و صنعتی می‌گردد که این خود کارائی و بهره‌وری اقتصادی را به سرعت افزایش می‌دهد. پس نقش نظام موثر و کارائی بانکی در جذب و تجهیز پس‌اندازها و هدایت آن بسوی سرمایه‌گذاری مولد و موثر از جمله نیازهای مشخص و تعریف شده است که در شرایط امروز ایران بر عهده نظام بانکی است و در اعمال آن نبایستی کوچکترین مسامحه‌ای بوجود آید.

در ایران که سیاست‌های تعدیل اقتصادی با کاهش ارزش پول، بعنوان اولین گام سیاست تعدیلی، همراه بود نخستین تاثیر ملموس و عینی آن به وجهی بسیار شدید بر سطح عمومی قیمت‌ها و قدرت

خرید اقشار مختلف مردم ظاهر شده است. هزینه تولید و قیمت کالاهای وارداتی هر دو افزایش یافته‌اند که متعاقب آن نیاز به افزایش دستمزدها احساس می‌گردد و به طور طبیعی دور تسلسل استمرار تورم را تقویت می‌کند. در این چنین شرایطی سیستم بانکی بایستی به عنوان یک ناجی اقتصادی وارد عمل شود و با ارائه تسهیلات اعتباری برای امور صنعتی و تولیدی بخشی از فشار افزایش مستمر هزینه‌ها را از طریق ارائه تسهیلات صنعتی ارزان کاهش دهد و از تکرار این واقعیت همیشگی تاریخ که تجارت و اجاره‌خواهی برنده و تولید و صنعت بازنده بوده‌اند ممانعت بعمل آورد. آمار در دسترس در مورد تاثیر کاهش ارزش پول بر قیمت‌ها در ایران را می‌توان بعنوان شاهد مثالی استفاده نمود که اهمیت نقش نظام بانکی را (در صورت التزام و تعهد به ایفای نقش فعال) در اصلاح قیمت‌ها و پیشگیری از تشدید سیر تورمی قیمت‌ها بیان نماید.^۱ اگر در بودجه خانوار اهمیت نسبی کالاهای ضروری ۲۰/۴ درصد، سوخت و انرژی ۱/۸ درصد، کالای غیرقابل مبادله ۴۶/۷ درصد، کالای قابل مبادله ۱۷/۳ درصد، کالای تولید داخلی ۱۲ درصد و حمل و نقل عمومی ۱/۸ درصد باشد، تاثیر کاهش ارزش پول بر افزایش قیمت این کالا به ترتیب عبارت خواهند بود از: ۳۱/۲ درصد، ۱۷/۳ درصد، ۱۱/۳ درصد، ۹۶ درصد، ۵/۸ درصد و ۳ درصد. در نتیجه کل اثر قیمتی معادل ۷۸/۲ درصد خواهد بود. برای نشان دادن تاثیر سیاست مزبور بر گروههای مختلف درآمدی، اگر خانوارهای کشور را از لحاظ درآمد به سه گروه با درآمد کم (تا ۱۲ هزار تومان) درآمد متوسط (تا ۴۵ هزار تومان) و درآمد بالا (بیش از ۴۵ هزار تومان) تقسیم کنیم^۲، سهم کالاهای ضروری در این گروه‌ها به ترتیب ۲۷/۷ درصد و ۲۲/۳ درصد و ۱۷ درصد و سهم سایر کالاهای مزبور به ترتیب ۷۲/۳ درصد، ۷۷/۷ درصد و ۸۳ درصد محاسبه می‌گردد. مطالعات کاربردی نشان می‌دهد که گروه کم درآمد از سیاست کاهش ارزش پول بیشترین آسیب را می‌بیند. بطور کلی افزایش سطح عمومی قیمت کالاهای ضروری برای سه گروه یاد شده به ترتیب عبارت است از ۵۱/۲ درصد، ۳۴/۷ درصد و اثر قیمتی کل برای آنها به ترتیب ۹۳/۴ درصد و ۸۰/۶ درصد و ۶۸/۶ درصد می‌باشند.

ذکر این مثال آماری از آن جهت است که نشان دهیم ایفای نقش فعال سیستم بانکی در مقابل آثار نامطلوب رویدادهای اقتصادی تنها به زمینه کمک به نیازهای تولیدی و رشد و بهبود وضعیت صنعت محدود نمی‌شود بلکه چنانچه به مدیریت تقاضا از طریق اعمال سیاست‌گذاری‌های کارآمد پولی همت گمارند تا حدود بسیار زیادی موجب حمایت اقشار آسیب‌پذیر در مقابل آثار سوء فشارهای تورمی خواهد بود.

۱- رحیمی بروجردی، علیرضا «درآمدی بر سیاست‌های تعدیل ساختاری» مرکز انتشارات علیم - پ

۱۳۷۲ دانشگاه آزاد اسلامی. ص ص ۲۵ - ۲۳

۲- نتایج تفصیلی آمارگیری از بودجه درآمد و هزینه خانوار - مرکز آمار ایران - سال ۱۳۶۹

نتیجه‌گیری:

اینک زمان آن فرا رسیده که به جمع‌بندی مطالب مطروحه و ارائه پیشنهادات مشخصی در ارتباط با راههای افزایش نسبت تاثیر نظام بانکداری فعلی جمهوری اسلامی ایران در برنامه دوم توسعه اقتصادی همت گماریم.

الف - ملاحظه شد که به لحاظ مسائل نظری و مبانی تئوریک، نظام بانکداری اسلامی که در حال حاضر در جمهوری اسلامی ایران در حال اجراست، به جزء در چند مورد معدود که ما به‌الابتلاء تمام نظامهای بانکداری در سایر کشورهای مسلمان نیز هست، دچار کاستی و نارسائی قابل ملاحظه‌ای نیست و علیهذا نمی‌توان هیچ بخشی از مشکلات و مسائل نظام بانکی و عدم موفقیت نسبی آن در پشتیبانی از بخش‌های گوناگون اقتصاد را بعهده مسائل نظری این نظام گذارد.

ب - در بحث پیرامون مواردی که به تکافوی محتوایی قانون و دستورالعملهای نظام بانکداری پرداخته ملاحظه کردیم که پس از سپری شدن ده سال از تاریخ تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا و دستورالعمل‌های اجرایی آن، بازنگری جامع و بازبینی مجددی بر این قانون ضروری می‌باشد چرا که لازم است قواعد و ضوابط خاصی برای حمایت تخصصی از هر یک از بخش‌های اقتصاد ملی در این قانون به روشنی لحاظ گردد و بطوری که بتوان از مطالعه قانون پولی و بانکی به راحتی به استراتژی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های توسعه صنعتی، کشاورزی، فرهنگی، اجتماعی و غیره پی‌برد و فهمید که گرایش واگذاری تسهیلات اعتباری به چه سمتی است. بعنوان نمونه اطلاعات منتشره در کمیسیون‌های تخصصی توسط اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حاکی از آن است که با توجه به درصد مصوبه رشد نقدینگی در سال ۱۳۷۲ به ماخذ ۲۵٪ تسهیلات پرداختی در بخش‌های مختلف اقتصادی در این سال به شرح زیر خواهد بود.

(میلیارد ریال)

بخش اقتصادی	بخش غیردولتی	بخش دولتی	جمع
کشاورزی	۲۹۰۴	۵۰۰	۳۴۰۴
صنعت و معدن	۵۹۴۴	۲۸۱۷	۸۷۶۱
ساختمان و مسکن	۳۰۰۲	۸۲	۳۰۸۴
بازرگانی و سایر	۴۷۸۷	۳۹۴۳	۸۷۳۰
جمع	۱۶۶۳۷	۷۳۴۲	۲۳۹۷۹

اطلاعات مندرج در این جدول نشان می‌دهد که علیرغم تمام مواضع بیان شده در برنامه توسعه و سیاست‌های تعدیلی، هنوز هم برنامه اعطای تسهیلات در بخش‌های مختلف اقتصاد گویای آن است که (بعنوان نمونه) بخش کشاورزی مزیت چشمگیری نسبت به بخش خدمات و بازرگانی ندارد. نیازهای مشخص توسعه اقتصادی در برنامه دوم، از جمله آن است که مرزبندی‌های سیاستگذاری و گرایش‌های حمایتی در بخش‌های مختلف اقتصاد ملی از زاویه چگونگی توزیع اعتبارات کاملاً مشخص و گویا باشد و اولویت بخش‌های کشاورزی و صنعت نسبت به بخش خدمات جای تردیدی باقی نگذارد. آنچه که اطلاعات فوق را تکمیل تر می‌کند. جدول زیر است که بیانگر جمع تسهیلات پرداختی بانک‌ها به بخش‌های مختلف اقتصادی در پنج ماه اول سال ۱۳۷۲ است.

بخش	مبلغ پرداختی	درصد کل
کشاورزی	۱۰۳۸/۶ میلیارد ریال	۱۵/۱
صنعت و معدن	۳۰۳۹/۴ میلیارد ریال	۴۴/۳
مسکن و ساختمان	۱۱۹۶/۳ میلیارد ریال	۱۷/۳
بازرگانی - خدمات و متفرقه	۱۵۹۳/۹ میلیارد ریال	۲۳/۳
جمع کل	۶۸۶۸/۲	۱۰۰/-

در این جدول نیز ملاحظه می‌کنیم بخش بازرگانی و خدمات و متفرقه سهم بیشتری از بخش کشاورزی و مسکن و ساختمان از مجموعه تسهیلات را در اختیار گرفته‌اند. ج - در تحلیل مطالب ملاحظه شد که عدم ثبات و استمرار در تعیین و حفظ یک خط مشی که منجر به صدور دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های گوناگون و احتمالاً متناقض در یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه می‌گردد، توان برنامه‌ریزی و حسابگری برچگونگی و کیفیت و ماهیت و حجم استفاده از تسهیلات بانکی را چه از مدیران بخش خصوصی و چه از مدیران بخش دولتی و نیمه دولتی سلب می‌نماید و این خطر از موارد مهلک در فرآیند توسعه اقتصادی است. عدم ثبات و استمرار رویه‌ها خود به تنهایی کافی خواهد بود که علت عمده و اصلی (و شاید بتوان گفت علت لازم و کافی) شکست کامل سیاست‌های تعدیلی دولت و عدم موفقیت در نیل به اهداف برنامه دوم توسعه اقتصادی گردد. علیهذا ضروری است که هر گونه سیاستگذاری به دنبال بررسی‌های کارشناسی و تحقیقات وسیع و همه جانبه و استفاده از مشاورت‌های دانشگاهی صورت گیرد تا از این طریق تداوم سیاست و طول مدت استمرار یک رویه افزایش یابد و جامعه بتواند برای مدت طولانی‌تری چگونگی استفاده از تسهیلات بانکی محاسبه نماید.

د - در مرور و بررسی مطالبی که به زمینه‌های اجرائی و موضوعات تجربی دهه گذشته نظام بانکداری پرداخته‌اند دیدیم که عدم تعیین قطعی بین اینکه چه بانک‌هایی در نظام بانکی، بانک‌های توسعه‌ای و چه بانک‌هایی بانک‌های تجاری هستند و عقودی که هر کدام بایستی مورد استفاده قرار دهند کدامند. این مشکل نیز از جمله مسائل و مشکلات عمده در رهگذر عملکرد ده ساله اخیر نظام بانکداری بوده و عامل مهم و اساسی آموزش نیز که می‌توانسته تا حدود بسیاری به حل این معضل کمک نماید در حد بایسته معمول نشده است. انفکاک، طبقه‌بندی حذف و ادغام تعدادی از عقود بانکی بنابر شرح و آماري که ارائه شده از جمله اقداماتی است که می‌تواند به کاهش معضلات و پیشرفت و بهبود نسبی استفاده کارآ و بهره‌ور از عقود اسلامی کمک نماید.

اجرای سیاست عدم تمرکز در اداره امور بانک‌ها و پیروی از سیاست گسترده‌تر کردن اختیارات هیئت مدیره بانک‌ها در سیاست‌گذاری و استفاده وسیع‌تر از اختراعات پولی رایج در دنیای بانکداری بین‌المللی و اختیار تعیین سهم و درصد سود عقد در معاملات توسط بانک‌ها از جمله عواملی است که به پویایی بیشتر نظام بانکی در برنامه دوم توسعه کمک فراوان خواهد نمود. همه‌گیر نمودن تفکر مدیریت بازرگانی و خصوصی بر نظام بانکی کشور و تاکید بر اصل رعایت و تحلیل هزینه و منافع و عملکرد اقتصادی و کسب بیشترین بهره‌وری از منابع و اعتقاد به این امر که کسب رضایت مشتری سرلوحه برنامه‌ها است سیستم بانکی را مشمول آنچنان تحول و دگرگونی خواهد نمود که آثار مثبت آن در بهبود و تسریع تحولات و پیشرفت‌های اقتصادی ملموس خواهد گردید.

بررسی‌های تئوریک و تجربی نشان می‌دهند در حالی که همکاری سیاست‌های پولی و مالی، برای رونق اقتصادی عامل بسیار موثری است، دخالت هر یک در قلمرو دیگری، اثرات نامطلوبی در متغیرهای کلان اقتصادی بر جای می‌گذارد. به عبارت دیگر، حوزه فعالیت هر یک، باید دقیقاً مشخص شود تا ضمن آنکه هر سیاست بطور مجزا و در ارتباط و هماهنگ با سیاست دیگر بتواند بطور کارآ اثرات مثبت خود را بر اقتصاد وارد آورد، برای جلوگیری از بوجود آمدن اثرات ناخوشایند، مانع تداخل و اعمال نظر یکی در دیگری شد.

اهمیت سیاست‌های پولی و مالی در اقتصادهایی که به (تجدید و اصلاح ساختاری) می‌پردازند و در فعالیت‌های اقتصادی بر نقش نیروهای حاکم بر بازار تاکید می‌نمایند، بیشتر نمایان می‌شود و دقیقاً براساس چنین اهمیتی است که متولی هر یک از سیاست‌های مزبور باید در اقتصاد، مشخص و جایگاهش توجیه گردد.

در تفکیک شرح وظایف سیاست‌های پولی و مالی، سازمانهایی که عهده‌دار مدیریت و اجرای هر یک هستند، باید شناسایی شوند. در کشور ما، مدیریت سیاست مالی، به وزارت امور اقتصادی و دارایی که مسئول کنترل هزینه و حسابداری است و سازمان برنامه و بودجه که وظیفه طراحی و

بودجه‌بندی را به عهده دارد، محول شده است. متولی سیاست‌های پولی، بانک مرکزی است که از زیر مجموعه‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی (متولی بخشی از سیاست مالی) می‌باشد و در واقعیت پیکره قانونگذاری کشور نیز در نحوه پیاده کردن سیاست‌های پولی، دخالت‌های گسترده‌ای اعمال می‌کند.

همچنانکه ملاحظه می‌گردد، مدیریت هر سیاست به یک سازمان مشخص مستقل ارجاع نشده است و این مسئله ضمن آنکه موجب پیدایش سازمانهای موزای شده، زمینه تداخل در قلمرو و فعالیت هر سیاست را توسط دیگری فراهم کرده است.^۱

تجربه نشان داده است، در کشورهایی که سیاست‌های پولی بطور مستمر تحت تاثیر و نفوذ سیاست‌های مالی قرار می‌گیرد، عملاً سیاست‌های پولی از کارایی می‌افتد و نمی‌تواند در انجام رسالت خود نقش موثری داشته باشد. بنابراین در حالیکه هماهنگی و ارتباط سیاست‌های پولی و مالی در اقتصاد اجتناب‌ناپذیر است، ماهیت سیاست‌های پولی ایجاب می‌کند که این سیاست و مجریان آن مستقل باشند و تحت تاثیر سایر مبادی قرار نگیرند، وگرنه سیاست‌های پولی از ثبات و اطمینان کمتری برخوردار خواهد بود و از اجرای وظائف و تعهدات خود، ناتوان خواهد ماند.

مطالعات کاربردی در بسیاری از کشورها، نشان می‌دهد که آن دسته از بانک‌های مرکزی که در هدایت و مدیریت سیاست‌های پولی دارای استقلال بیشتری هستند، در مهار تورم، توانایی‌های بالاتری از خود نشان داده‌اند. البته در کشورهای مزبور، نرخ بیکاری نیز در حد کنترل شده‌ای قرار دارد. زیرا هنگامی که سیاست‌های پولی با ثبات باشد، بنگاه‌های اقتصادی، نظام دستمزد را با سیاست‌های پولی هماهنگ می‌کنند. همچنین زمانی که بانک مرکزی بدون مداخله عوامل برون‌زا، به هدایت سیاست‌های پولی مشغول باشد، می‌تواند سفته‌بازی، دلالی و واسطه‌گری را در بازار پولی مهار کند، ضمناً نوسانات ارزش خارجی پول ملی کشور را کنترل نماید.^۲

۱- دکتر قریشی رئیس حکومت موقت و انتقالی پاکستان در نیمه دوم شهریور ماه ۱۳۷۲ (سپتامبر ۱۹۹۳)، در راستای توجه به همین اصل بانک مرکزی پاکستان را مستقل اعلام و آن را کلاً از حیطه اختیارات دولت خارج نمود.

فهرست منابع و ماخذ مورد استفاده

الف - فارسی

- ۱ - ایمانی راد، مرتضی: «زمینه‌های تاریخی و شرایط موفقیت آزادسازی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه» - فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۶۰ - ۵۹
- ۲ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: «خلاصه مقالات اقتصادی کشور - ۱۳۷۰»
- ۳ - توتونچیان، ایرج: «مقایسه‌ای اجمالی بین هزینه فرصت سرمایه‌گذاری در سیستم ربوی و غیرربوی» - مجله تحقیقات اقتصادی، نشریه دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شماره ۴۰، پائیز ۱۳۶۷، ص ۲۷ - ۱
- ۴ - رزاقی، ابراهیم: «ضرورت تحول در مدیریت توسعه اقتصادی کشور» - فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۵۶ - ۵۵
- ۵ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: «ترازنامه و گزارشات اقتصادی» - سالهای مختلف
- ۶ - رحیمی بروجردی، علیرضا: «درآمدی بر سیاست‌های تعدیل ساختاری» - مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی - تهران ۱۳۷۲
- ۷ - سازمان برنامه و بودجه - مرکز آمار ایران: «نتایج تفصیلی آمارگیری از بودجه درآمد و هزینه خانوار شهری و روستایی» - تهران ۱۳۶۹
- ۸ - گودرزی، محسن: «ویژگیها و تحولات بازار کار در ایران در سالهای ۶۵ - ۱۳۵۵» - فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۴۴ - ۴۳
- ۹ - صدیق، نجات...: «بانکداری بدون بهره» - ترجمه و اقتباس اکبر مهدی‌پور عطا‌آبادی، انتشارات سروش، تهران ۱۳۶۹
- ۱۰ - عمادزاده، مرتضی: «مدل تقاضای پول برای اقتصاد ایران در ارتباط با سیاست‌های پولی» - رساله دکترای رشته اقتصاد - دانشگاه آزاد اسلامی تهران ۱۳۶۸

- ۱۱ - عمر چاپرا: سیاست‌های پولی در اقتصاد اسلامی، و - مقاله‌ای در کتاب «پول و بانکداری در اسلام» - موسسه مطالعات سیاستگذاری، اسلام‌آباد، پاکستان ۱۹۸۳
- ۱۲ - قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۲/۶/۱۰) و آئین‌نامه اجرائی مصوب هیئت وزیران (۱۳۶۲/۹/۲۷) و دستورالعمل‌های اجرائی مصوب شورای پول و اعتبار (۱۳۶۲/۱۰/۱۸)
- ۱۳ - محسن خان: بانکداری اسلامی بدون ربا، تحلیلی نظری، صندوق بین‌المللی پول بخش تحقیقات سند شماره ۱۹۸۵/م - سپتامبر ۱۹۸۵
- ۱۴ - محفوظ علی: پول و بانکداری در اسلام - موسسه مطالعات سیاستگذاری، اسلام‌آباد، پاکستان ۱۹۸۳
- ۱۵ - مجله حسابدار - ویژه بانکداری، شماره نهم و دهم - دیماه ۱۳۷۰
- ۱۶ - ندیم الحق - عباس میرآخور: رفتار پس‌اندازها در اقتصادی که در آن نرخ بهره از قبل تثبیت شده وجود ندارد - موسسه تحقیقات و مطالعات اسلامی، نگزاس، آمریکا ۱۹۸۷
- ۱۷ - وزارت امور اقتصادی و دارائی - معاونت امور اقتصادی: فصلنامه مجله اقتصادی - شماره‌های مختلف

ب - خارجی:

- 1 - Annual report: state Bank of Pakistan, 1992
- 2 - Annual Report: Islamic Bank of Bangladesh Ltd. 1991
- 3 - Annual Report: Faisal Islamic Bank of Kidbrils, 1991
- 4 - Economic Survey - Government of Pakistan. Finance Div. Islamabad, Pakistan, 1992
- 5 - Fisher, I.: "The Theory of Interest" - McMillan Pub. Co. N.Y. 1930
- 6 - Phelps, E.S.: "The Accumulation of Risky Capital". John Wiley Pub. Co. N.Y. 1967
- 7 - Pryor, F.: "The Islamic Economic System"-Journal of Comarative Economics Vol.9, 1985
- 8 - Nawazkhan, M.: "Islamization of Banking System and the Economy" Seminar on the Eighth five year plan (1993 - 98), Islamabad, Pakistan, Dec. 91 - Jan. 92
- 9 - Sandmo, A.: "the Effect of Uncertainty on Saving Decisions". Review of Economic Studies, vol. 3, 1970
- 10 - Simons, H.: "Economic Policy for a Free Society". Chicago, 1948